

از گوشه و کنار

احتمال توزیع سراسری کوپن برای تامین کالای اساسی



سرپرست وزارت کار اعلام کرد برای حمایت از خانوارهای ایرانی و تمامی دهک‌های درآمدی در این شرایط ویژه اقتصادی، تدابیری را پیش‌بینی کرده ایم و برنامه‌های آنی را در دستور کار قرار داده ایم. در این راستا تا پایان همین ماه به تمامی مددجویان تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی، سبد کالایی اعطا می‌شود و برنامه تامین کالای اساسی برای هشت دهک یا تمامی افراد جامعه را با اعطای کوپن الکترونیکی در دستور کار داریم. بررسی اعطای کوپن الکترونیکی به احاد جامعه با هدف تامین کالاهای اساسی در دستور کار قرار دارد. اعطای کوپن هنوز قطعی نشده است.



از کهنه استفاده کنیم هیچ اتفاقی نمی‌افتد!



فردی در اینستاگرام با انتشار عکسی از تعداد زیادی بسته پوشک که روی زمین ریخته، نوشت: «همین چندتا بسته پوشک شده ۲ میلیون تومن. آخه چه مملکتی داریم.» کاربری در این باره نوشت: «طرف استوری گذاشته همین چندتا بسته پوشک شده دو میلیون تومن، خب اگه تو مصرف دو سال پوشک بجهات رو یک جانخوری، قیمتش این جوری نمیره بالا که!»

کاربر دیگری هم نوشت: «دو روزه برای بچه‌هامون از کهنه استفاده می‌کنیم و هیچ اتفاقی هم نیفتاده. نمی‌دونم چرا فقط دنبال بحرانی تر کردن شرایط هستیم.»



شناسایی برخی انبارهای محترکان دارودر تهران



مدیر کل تعزیرات استان تهران گفت: برخی از انبارهای احتکار دارو در استان تهران شناسایی و با احتکار کنندگان برخورد قانونی شده است. محمدعلی اسفغانی درباره برخورد با احتکار کنندگان دارو توسط سازمان تعزیرات حکومتی، گفت: هر نوع انبار و دیوی کالا لزوماً احتکار نیست زیرا برخی از تولید کنندگان کالا گله‌مند هستند که شغل ما به نوعی است که میبایست انبارداری کالا را در دستور کار قرار بدهیم و سپس کالا را عرضه کنیم و این گله‌مندی تولید کنندگان صحیح است.

وی ادامه داد: کالاهای که به قصد گران فروشی در شرایطی که دولت ضرورت عرضه کالا مذکور را نیز اعلام کرده اما عرضه نشود را در اصطلاح احتکار می‌نامند، بنابر این ما نیز بر این مبنا با احتکار کنندگان کالا برخورد قاطع می‌کنیم.

مدیر کل تعزیرات استان تهران افزود: دارو جز ۲۱ قلمی است که باید تعزیرات حکومتی به‌طور حتم با احتکار کنندگان آن برخورد کند زیرا دارو با سلامت جامعه در ارتباط است و این در حالی است که ما برخی از انبارهای دارویی احتکار کرده و داخل و خارج استان تهران شناسایی کرده‌ایم و متخلفان برخورد کردیم.

اسفغانی افزود: قانون در زمینه احتکار کالا بسیار سختگیرانه عمل می‌کند و از ۱۰ تا ۷۰ درصد ارزش کالا را جریمه می‌کند و سپس بر طبق قانون الزام می‌کند که فرد احتکار کننده کالا را به بازار عرضه کند اما در مرتبه دوم دستور عرضه کالا توسط شعبه تعزیرات صادر می‌شود.

تصور تاثیر ویا بهتر بگوییم: توهم «پوشش تحریک کننده» در به وقوع جرم، تنها مختص به جامعه‌ما به عنوان سرزمینی در جهان سوم نیست. در کشوری مثل آمریکا هم، ابتداء از نوا و ارمقصر می‌دانند و او را عامل ایجاد جرم!

مورداخیر دختران و زنان ایرانی‌شهری، مثال بسیار واضح و مهمی در این مورد است؛ چه در مورد خود این افراد که سعی در پنهان کردن ماجرا داشتند و چه در رابطه با واکنش خانواده و جامعه و حتی مسئولین که سعی در انکار و تکذیب و پاک کردن صورت مسئله داشتند و تا حدی هم موفق شدند.

دکتر رامشت چنین ادامه می‌دهد: «این موضوع خیلی مهم است که وقتی اعضای خانواده متوجه می‌شوند کودک یا حتی بزرگسال‌شان، دچار آسیب جنسی شده است چه عکس‌العملی نشان بدهند. واکنش خانواده در میزان آسیبی که فرد می‌بیند و اختلال رفتاری که از خودش نشان می‌دهد تاثیر دارد. معمولاً این افراد در خانواده‌ای که پذیرنده و حمایت‌گر باشد و فرزندان خودش را مورد محبت و لطف و حمایت بیشتری قرار دهد و آن‌ها را مورد قضاوت قرار ندهد و به آنان کمک کند، کمتر آسیب می‌بینند و در بزرگسالی اختلال شخصیت و اختلال‌های روانی کمتری از خودشان بروز می‌دهند. اما اگر خانواده پذیرنده نباشد و سرزنشگر و قضاوت‌گر باشد و اگر فرد را طرد کند بر حسب نوع رفتاری که اعضای خانواده دارند، خشم را درون فرزندان خود افزایش می‌دهند و هر چه قدر میزان خشم و عصبانیت فرد نسبت به محیط (خانواده و اطرافیان) بیشتر شود و او بیشتر می‌خواهد در آینده این عقده یا فشار روانی را که درونش به وجود آمده است نسبت به جامعه ابراز کند و رفتارها و اختلال شخصیت به مراتب شدیدتر خواهد بود. به این دلیل است که ما می‌گوییم اگر فردی در هر سنی مورد آزار جنسی قرار بگیرد بسیار مهم است، خانواده‌ها باید آموزش ببینند که فرزندان خود را مورد حمایت، توجه یا تربیت قرار دهند تا کمتر مورد سوءاستفاده‌های جنسی قرار بگیرند و اگر گرفتار فرزند حتماً باید بر نظر مشاور نسبت به ترمیم آسیب‌های روحی و روانی که فرد دیده است اقدام شود.»

به همین ترتیب اهمیت «قصه‌گویی» به عنوان محرکی قوی تقویت و تحریک خیال‌پروری در کودکان و نوجوانان از یک سو و تاثیر شگرفش در تسریع فرایند یادگیری و تثبیت معلومات آنان از سویی دیگر بر کسی پوشیده نیست. باتوجه به مطالب مطرح شده امروزه می‌توانیم در آموزش و تربیت اجتماعی فرزندانمان از «قصه‌گویی» به عنوان ابزاری مفید و موثر جهت اصلاح رفتار، مهار هیجانات، افزایش مهارت‌های اجتماعی و کاهش مشکلات رفتاری بهره‌مند شویم. از اینرو بسیار حائز اهمیت است مسئولان حوزه آموزش و پرورش با کمک مشاورین و مربیان امور تربیتی ساعاتی را برای برنامه «قصه‌گویی» در جدول آموزشی و فعالیت‌های تربیتی می‌دهای کودک، مراکز پیش‌دبستان و دبستانی در نظر بگیرند؛ چرا که بازگویی قصه و اجرای نمایش‌های داستانی علاوه بر آنکه منجر به کاهش رفتارهای نامطلوب همچون افسردگی و اضطراب اجتماعی می‌شود، از سویی دیگر نیز تقویت رفتارهای مطلوب همچون روحیه خودکارآمدی، تطبیق‌پذیری و سازش‌یافتگی را در کودکان و نوجوانان افزایش می‌دهد که این به نوبه خود نقش بسیار مهمی در تقویت مهارت‌های اجتماعی آنها ایفا می‌کند.

انگاشتن کودکان باشد. شعبانی دوران کودکی را مهم‌ترین مرحله رشد و تکامل جسمی و روانی کودک می‌داند و معتقد است کودک آزاری شامل رفتارهایی است که توسط افراد دیگر خصوصاً بزرگسالان نسبت به کودکان انجام می‌گیرد و به نوعی به سلامت جسمی و روانی آنان آسیب می‌رساند. آسیب‌هایی که پیامدهای طولانی مدت در آینده را در پی خواهد داشت.

شعبانی در مورد چرایی کودک آزاری این‌طور توضیح می‌دهد: «گاهی والدین یا افراد دیگر که به کودک آزار می‌رسانند، نمی‌دانند که رفتار آن‌ها کودک آزاری است؛ مانند کسانی که کودکان را تنبیه بدنی می‌کنند، مورد تحقیر و توهین قرار می‌دهند و به این‌ها آزار می‌رسانند. عادی‌تر و معمولی‌تر از آن چیزی بود که در ابتدا این محققان تصور کرده بودند.

پس می‌بینیم که تصور تاثیر ویا بهتر بگوییم: توهم «پوشش تحریک کننده» در به وقوع جرم، تنها مختص به جامعه‌ما به عنوان سرزمینی در جهان سوم نیست. در کشوری مثل آمریکا هم، ابتداء از نوا و ارمقصر می‌دانند و او را عامل ایجاد جرم اینبار این نمی‌توان خانم معاون را در این مورد شمانت کرد.

واکنش جامعه مهم است

متاسفانه در مورد تعرض‌های جسمی و جنسی، جامعه تمایل به پنهان‌کاری دارد و این شاید برمی‌گردد به سنت‌ها و عرف‌های حاکم بر جامعه، که به جای همدلی با قربانی، که عموماً هیچ تقصیری در این مورد نداشته، با ناپاک و آلوده دانستن او، وی را حذف و طرد می‌کنند. تصور کنید دختر مورد تعرض قرار گرفته‌ای را که اگر زنده بماند، جامعه با او چه رفتاری در پیش می‌گیرد؛ این دختر، اگر جان سالم به در ببرد و حتی از سوی خانواده، پذیرفته شده و زنده بماند! احتمالاً هرگز نخواهد توانست ازدواج کند. این چنین است که قربانی تعرض و تجاوز، توان مجرم را نیز می‌پردازد و تمام هستی خود را از دست می‌دهد.

«قصه‌ها» با بیان غیر مستقیم نکات آموزشی بستر لازم را برای رشد، پرورش و تربیت کودکان و نوجوانان فراهم می‌آورد و نقش بسزایی در تربیت اجتماعی آنان ایفا می‌کنند. مثلاً قصه‌ی «بزنگوله‌پا» با وجود مضمون و درون‌مایه داستان گوناگم، پیام‌دوری و اجتناب از برخورد و تعامل با غریبه‌ها را متذکر می‌شود. از اینرو حتماً والدین در حین «قصه‌گویی» باید دقت داشته باشند که پایان قصه نباید خیلی صریح و مستقیم به نتیجه‌گیری ختم شود و مثلاً اینطور نتیجه‌گیری کنند و بگویند ادب، انضباط، حرف‌گوش کردن و... خوب است؛ امثال چنین نتیجه‌گیری‌هایی سبب تبدیل آموزش غیرمستقیم به آموزش مستقیم می‌شود و در نتیجه از شدت تاثیرگذاری تکنیک آموزشی «قصه‌گویی» می‌کاهد. والدین باید نتیجه‌گیری را برعهده‌ی خود کودک بگذارند و خودشان فقط نقش تسهیل‌کننده و هدایت‌گر را در این مسیر داشته باشند. رواند مانگران و کارشناسان روانشناس بر اساس داده‌ها و نتایج بدست آمده از پژوهش‌ها همواره بر این نکته نیز تاکید دارند گاهی یک قصه می‌تواند چنان تاثیر عمیقی بر زندگی و آینده کودکان و دانش‌آموزان بگذارد که ده‌ها آموزش از آن رایج‌تر و آسان‌تر خواهد بود.

نیره عابدین‌زاده، معاون دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان رضوی می‌گوید: «لباس‌ها و پوشش و ظاهر شیک بچه‌ها، عامل محرک برای کودک آزارهاست.» می‌پرسیم چرا؟ می‌گوید در تعرض اخیر به دختر بچه افغانی، فرد متعرض گفته: «موهای زیبای دخترک او را تحریک کرده است.»



آذر فخری، روزنامه‌نگار

مترعز شده. نتیجه این پژوهش، در نهایت برپایی نمایشگاهی بود که در آن لباس‌هایی که افراد آسیب‌دیده پوشیده بودند به نمایش گذاشته شد. لباس‌های این زنان و دختران، عادی‌تر و معمولی‌تر از آن چیزی بود که در ابتدا این محققان تصور کرده بودند.

پس می‌بینیم که تصور تاثیر ویا بهتر بگوییم: توهم «پوشش تحریک کننده» در به وقوع جرم، تنها مختص به جامعه‌ما به عنوان سرزمینی در جهان سوم نیست. در کشوری مثل آمریکا هم، ابتداء از نوا و ارمقصر می‌دانند و او را عامل ایجاد جرم اینبار این نمی‌توان خانم معاون را در این مورد شمانت کرد.

یک پرسش مهم

اما داستان دیگری هم در رابطه با تعرض به کودکان در کشور ما وجود دارد. داستان کودکان کار و گزاشی که می‌گوید ۹۰ درصد کودکان کار، مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته و می‌گیرند. کودکانی که اکثر آن‌ها لباس‌های مندرس و ژنده‌ای بر تن دارند و ماه‌تاما، حمام نمی‌کنند و اغلب مبتلا به بیماری‌های مزمن و غیر مزمن هستند. کودکانی که شغل اکثر آن‌ها، زباله‌گردی و یا بازیافت زباله است و طبعاً بوی ناخوشایندی دهند.

خانم معاون، اگر ممکن است بفرمایید این کودکان چه عامل تحریک‌کننده‌ای در وجودشان هست که مورد تعرض و آزار واذیت قرار می‌گیرند؟! در مورد پرونده این کودکان، چه‌قدر

تحریک کرده است.» در آخر این جمله علامت تعجب نمی‌گذاریم. فرد مجرم، برای تبرئه خود هر بهانه‌ای می‌تواند بترشد؛ هم‌چنان که سال‌های سال است که معنادان، «دوست ناباب» را دلیل اعتیاد خود می‌دانند. این آسان‌ترین و دم‌دست‌ترین راه، برای انداختن تقصیر به گردن دیگران و تبرئه «خود» است. و حتی شانه‌خالی کردن از زیر بار مسئولیت تامین امنیت اجتماعی و سپردن آن به خانواده‌ها. پس علامت تعجب را در برابر صحبت‌های نیره عابدین‌زاده می‌گذاریم. معاونی که تمام کاستی‌های تربیتی و نبود امنیت اجتماعی و افزایش مشکلات روانی جامعه و رفتارهای خشنونت‌آمیز را در «پوشش بچه‌ها» می‌بیند. نیره عابدین‌زاده‌ای که گوشش فقط صدای مجرم بیماری را می‌شنود که می‌تواند و حق دارد برای عمل سبب‌انهاش، هر بهانه‌ای بیابارد و معاون، آن را باور می‌کند. البته در این میان، عابدین‌زاده، با چنین تحلیلی، تنها بیست سال گذشته، پژوهشی در آمریکا انجام گرفت در رابطه با تعرضاتی که به زنان و دختران صورت گرفته بود.

وقتی این زنان و دختران به پلیس مراجعه می‌کردند، پیش از هر گونه درک و دلداری و پی‌گیری، از فرد آسیب‌دیده پرسیده می‌شد: «چی پوشیده بودی؟!» همین پرسش، محققان را واداشت که به سراغ زنان و دختران آسیب‌دیده بروند و ببینند که آنان در هنگام حادثه واقعاً چه پوشیده بودند که باعث «تحریک» فرد

نیره عابدین‌زاده، معاون دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان رضوی می‌گوید: «لباس‌ها، و پوشش و ظاهر شیک بچه‌ها، عامل محرک برای کودک آزارهاست.» می‌پرسیم چرا؟ می‌گوید در تعرض اخیر به دختر بچه افغانی، فرد متعرض گفته: «موهای زیبای دخترک او را

قابل تصور هست!

نیره عابدین‌زاده، معاون دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان رضوی می‌گوید: «لباس‌ها، و پوشش و ظاهر شیک بچه‌ها، عامل محرک برای کودک آزارهاست.» می‌پرسیم چرا؟ می‌گوید در تعرض اخیر به دختر بچه افغانی، فرد متعرض گفته: «موهای زیبای دخترک او را

یادداشت

قصه‌ها، بازنمایی از خودمان و تجربه‌هایمان هستند



فائزة ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

«قصه‌گویی» یا «قصه درمانی» یکی از مهم‌ترین ابزار است که روانشناسان و رواند مانگران برای حل مشکلات و مسائل مراجعان از آن بهره می‌برند؛ چرا که قصه‌ها، بازنمایی از خودمان و تجربه‌هایمان هستند و با همگانی جلوه دادن مشکلاتی که مراجع با آنها دست و پنجه نرم می‌کند، نقش مهمی را در پر و سه درمان ایفا می‌کنند؛ به این ترتیب به مراجع متذکر می‌شوند که او تنها موجود در جهان نیست که این گونه مشکلات را تجربه کرده و چنین احساسی را دارد، بلکه دیگران هم قبل از او چنین مشکلاتی را داشته‌اند و مسئله‌اش منحصر به فرد و غیر قابل حل نیست؛ به این ترتیب تا حدود معناداری درد و ناراحتی فرد را تقلیل می‌یابد و این انگیزه را در فرد تقویت می‌کند که برای یافتن راه‌حل مورد نظرش دست از تلاش نباید بردارد. روانشناسان و متخصصان امور تربیتی نیز اعتقاد دارند «قصه‌گویی» برای کودکان نیز به منزله پلی میان آنها و دنیای پیرامونشان است که با بهره‌بردن از این ابزار می‌تواند کودکان را برای رویارویی با فقدان‌ها،

هراس‌ها و اضطراب‌ها آماده کنند؛ به این ترتیب «قصه» به گونه‌ای جذاب به عنوان ابزاری نیروبخش و امیددهنده تلقی می‌شود که کودک با استفاده از آن با محیط زندگی و جهان اطرافش آشنا می‌شود. در سال‌های اخیر کارشناسان روانشناس باتوجه به تحقیقات بسیار در خصوص اهمیت «قصه‌خوانی» برای کودکان و اثبات اثرات مثبت آن در حوزه رشد فکری و روانی دانش‌آموزان همواره به والدین توصیه می‌کنند از همان سنین پایین، قصه‌گویی را شروع کرده و این روند را تا سال‌های بعد یعنی در دوران ابتدایی نیز همچنان ادامه دهند. روانشناسان معتقدند از مهم‌ترین اثرات مهم «قصه‌گویی» برای کودکان و دانش‌آموزان رشد عاطفی و هیجانی، گسترش گنجینه واژگانی، پرورش ذوق هنری، بالا بردن سطح کتابخوانی، تقویت قدرت بیان و حافظه و همچنین تطبیق عواطف و احساسات را می‌توان نام برد. هرچند ممکن است در نگاه نخست «قصه» بیشتر به عنوان وسیله‌ای برای سرگرم کردن کودکان به نظر برسد، اما متخصصین روانشناس اظهار دارند

بنابر گزارش معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش احیا و ترویج فرهنگ قصه‌خوانی و قصه‌گویی در میان کودکان و دانش‌آموزان به عنوان یکی از طرح‌های مهم این وزارتخانه مطرح شده است؛ بنابر این طرح قرار است بخشی از برنامه‌های ساعات آموزشی مدارس مقاطع ابتدایی به این موهوم اختصاص یابد؛ به این ترتیب از طریق اشاعه فرهنگ داستان‌گویی، امید است بستری فراهم شود تا دانش‌آموزان به دوران کودکی خود بازگردند. روانشناسان و متخصصین در حوزه آموزش و پرورش معتقدند با اجرای چنین طرحی نه تنها زمینه لازم برای تقویت مهارت خواندن، شنیدن و فن بیان برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود بلکه «داستان و قصه‌گویی» قوه تخیل کودکان را نیز می‌پروراند و به رشد ابعاد شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی آنان نیز کمک شایانی می‌کند.